



وزارت آموزش عالی

استاد ارشد چهارم حال و پیشیار

معاونت توسعه مدیریت و منابع

دقت برنامه ریزی، نو سازی و تحول اداری

# نشست تخصصی آموزشی و تحلیلی نماز

سخنرانان

دکتر عزیزالله مولوی

دکتر الهام شریفی

دکتر شیرین پولادی

تدوین کنندگان

مریم حق وردی طاقانکی

زینب حجازی طاقانکی

مرتضی مولوی



معاونت آموزش و پژوهش

مهر ۹۸



« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. »

"و نماز را بر پا دار، که نماز از ناشایستی و زشتکاری باز می دارد و یاد کردن خداوند از هر کاری [مهم تر است و خداوند می داند که چه می کنید]."

(قرآن کریم. سوره عنکبوت. آیه شریفه ۴۵)

---

## شناسنامه اثر

---

- عنوان گزارش: نماز
- سخنرانان: دکتر عزیزالله مولوی، دکتر الهام شریفی، دکتر شیرین پولادی
- تدوین: مریم حق وردی طاقانکی - زینب حجازی طاقانکی - مرتضی مولوی
- حوزه معاونتی: معاونت توسعه مدیریت و منابع استانداری
- گروه مطالعاتی: دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری
- تاریخ برگزاری سخنرانی: ۹۸/۰۶/۱۶
- تاریخ انتشار: مهر ماه ۱۳۹۸

---

## آدرس

---

استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد - خیابان حافظ شمالی - چهارراه دولت استانداری چهارمحال و بختیاری

تلفن: ۳۱۳۴۳۲۱۲

---

معاونت آموزش و پژوهش دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری

---

## فهرست مطالب

۱	سخن معاون توسعه مدیریت و منابع استاندار
۲	خلاصه اجرایی
۴	مقدمه
۶	ضرورت و اهمیت
۷	بخش اول:
۷	مباحث آقای دکتر عزیزالله مولوی
۷	انگاره
۸	انگاره اول: تکلیف انگاری نماز
۸	انگاره دوم: رنج انگاری نماز خوانی
۸	انگاره سوم: یوگا انگاری نماز
۹	انگاره چهارم: سماع انگاری نماز
۹	انگاره پنجم: انگاره ابزار انگارانه. نردبان ترقی انگارانه یا پل انگارانه
۹	انگاره ششم: پوچ و بی معنا انگاری نماز
۹	انگاره هفتم: انگاره نماد گرایانه
۹	انگاره هشتم: همدلی انگاری با انسان های عرفانی
۱۰	انگاره نهم: انگاره کارکرد گرایانه روانشناختی
۱۰	انگاره دهم: جامع انگاری
۱۰	خطاهای شناختی
۱۲	مباحث خانم دکتر الهام شریفی
۱۴	مباحث خانم دکتر شیرین پولادی
۱۴	هوش معنوی از منظر مطالعات روانشناسی و دینی
۱۵	هوش عقلانی یا IQ
۱۵	هوش هیجانی یا Eq
۱۵	هوش معنوی
۱۶	ویژگی افراد دارای هوش معنوی
۱۷	آیا هوش معنوی را می توان رشد داد
۱۷	حیات طیبه
۱۸	ارتباط نماز، حیات طیبه و هوش معنوی
۲۰	بخش دوم:
۲۰	پرسش و پاسخ
۲۲	نتیجه گیری
۲۳	پیشنهادات

## ❖ سخن معاون توسعه مدیریت و منابع استاندار

با توجه به روش‌های متعدد آموزشی در دستگاه‌های اجرایی و گاهاً ضرورت حرکت همگرا و تعاملی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی با رویکرد توان‌افزایی این دو محور علمی، تدوین سازوکارهای انجام این مهم در دستگاه‌های اجرایی ضروری می‌نماید.

«**معاونت آموزش و پژوهش دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری استانداری**» با رویکرد بهره‌گیری از مشارکت اعضای هیات علمی و مدرسان حوزه‌های مختلف از یک سو و کارکنان استانداری و واحدهای تابعه از سوی دیگر به منظور تحقق عملکرد تعاملی نظام آموزش و پژوهش اقدام به برگزاری «نشست تخصصی تحلیلی و آموزشی "با محوریت" نماز" نمود. در توضیح بهره‌گیری از فن‌نشست‌های تخصصی با محوریت مفاهیم و معارف دینی باید اذعان نمود که بین نخبگان علمی و بیشتر مردم، این آگاهی و اشتیاق بوجود آمده که باید حقایق دینی مورد توجه جدی قرار گیرند، و در یک گفتمان قابل دفاع و معقول، بازاندیشی شوند و در یک همزیستی بازگشوده، مشارکت داده شوند تا بشر بتواند به خلاً معنوی و بحران معرفتی و وجودی خود پاسخ دهد.

«**گزارش نشست**» به منظور ارائه منظم و کاربردی محتوای نشست‌های برگزار شده به مدیران و کارشناسان تهیه شده است و دبیرخانه نشست‌های مذکور واقع در معاونت آموزش و پژوهش دفتر برنامه ریزی، نوسازی و تحول اداری استانداری آمادگی لازم جهت دریافت نظرات کارکنان و مخاطبان این برنامه را داشته تا بتوان با غنی‌تر نمودن سلسله نشست‌های آتی؛ گام مؤثری در راستای اهداف محوری اینگونه نشست‌ها داشت.

لیلا محمدیان

معاون توسعه مدیریت و منابع استاندار

استانداری چهارمحال و بختیاری

## ❖ خلاصه اجرایی

با عنایت به رسالت واحد آموزش و پژوهش دستگاه های اجرایی برای افزایش دانش کارکنان در حوزه های تخصصی و عمومی، نشست تخصصی تحلیلی و آموزشی با محوریت "نماز" با هدف بررسی این مفهوم از ابعاد مختلف فقهی، تربیتی و روانشناسی به منظور ارتقاء دانش رابطین ستادهای "امر به معروف و نهی از منکر" و "اقامه نماز" استانداری و فرمانداری های تابعه از یک سو و ایجاد نگرش غنی تر نسبت به مقوله نماز در همین مخاطبان برای ایفای موثرتر نقش هدایت گری آنها به عنوان والدین در خانواده ها؛ با حضور آقای دکتر عزیزالله مولوی، خانم دکتر الهام شریفی، خانم دکتر شیرین پولادی روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۶ در محل سالن معاونت عمرانی استانداری با حضور جمعی از مدیران و کارشناسان استانداری و فرمانداری های تابعه برگزار شد.

به طور اجمالی؛ در این نشست ابتدا دکتر مولوی به طرح مفهوم "انگاره" و بررسی انگاره های موجود بر مفهوم نماز به بررسی این مفهوم از بعد فقهی پرداخت، سپس خانم دکتر شریفی به بیان مفهوم "تربیت دینی" و روش های مختلف تربیت دینی کودکان و نوجوانان بر اساس سیره پیامبر اسلام و ائمه اطهار پرداختند و اهمیت تربیت دینی فرزندان را در شکل گیری ساختار شخصیتی آنها و نقش مهم والدین را در این نوع تربیت بیان نمودند، در پایان خانم دکتر پولادی با طرح و تبیین مفاهیم "هوش معنوی"، "طیب گزینی و حیات طیبه" که منجر به ارتقاء سبک زندگی افراد می گردد و نهایتاً به نقش نماز در تعالی و پرورش این بعد از هوش پرداخت.

به سوالات شرکت کنندگان در حین مباحث سه گانه نیز پاسخ داده شد.

**واژگان کلیدی:** نماز، انگاره، تربیت، تربیت دینی، سبک زندگی، سبک زندگی دینی، سیره اهل بیت، حیات طیبه، معنویت، هوش معنوی

## ❖ گذری بر مفاهیم کلیدی:

در این بخش به طور اجمالی به تعریف مفاهیم اساسی که در نشست به آنها اشاره شده می پردازیم.

**- نماز:** در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود و بندگی است و بزرگ ترین عبادت و مهم ترین سفارش انبیاست.

**- تربیت:** به معنی پرورش دادن و پرورش یافتن است و عبارت است از پروراندن قوای جسمی و روحی برای وصول به کمال مطلوب و انتقال طرز تفکر و احساس و عمل یک جامعه به آیندگان.

**- تربیت دینی:** به منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و به عبارت دیگر ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را در بر می گیرد.

- **سبک زندگی:** سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها اشاره دارد، همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی که در پی فرآیند جامعه پذیری به وجود آمده است.

- **سبک زندگی دینی:** مجموعه ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور دینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است که در آن باور به جهان آخرت به عنوان غایت خلقت و نگاه به دنیا، به عنوان پلی برای رسیدن به سعادت جاویدان اخروی، بن مایه همه بینش ها و گرایش هاست و به همه رفتارها و انتخاب های فرد و گروه جهت می دهد.

- **سیره اهل بیت:** سیره بر وزن فعله و جلسه واژه عربی است، که بر نوع و کیفیت وقوع عمل و نیز مره برای بیان دفعات انجام کار دلالت دارد. سیره پیامبر و اهل بیت (ع) همان روش مستمر و رویه معمول دائمی معصوم بوده است.

- **حیات طیبه:** حیات طیبه در اصطلاح عبارت است از حیاتی واقعی و جدید که خداوند به آنانی که سزاورند افاضه می فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک اند نیست، در عین این که غیر از آن است، همان است تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد، پس کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو نوع زندگی ندارد بلکه زندگی اش قوی تر روشن تر و واجد آثار بیشتر است.

- **معنویت:** معنویت به حقیقت نهایی یا غیرمادی اشاره دارد؛ راهی درونی که شخص را قادر به کشف ماهیت هستی با عمیق ترین ارزش ها و معانی زندگی مردم می سازد.

- **هوش معنوی:** هوش معنوی که منحصرأً خاص انسان است؛ عبارت است از میزان فهم افراد از واقعیت زندگی و حقیقت امور و زمینه تمام آن چیزهایی است که به آنها اعتقاد و باور داریم.



هدف از مباحث نشست مذکور بررسی ارتباط بین نماز، تربیت دینی، هوش معنوی و حیات طیبه می باشد و اینکه غایت گرایش به نماز و معنویت و اهمیت دادن به تربیت دینی رسیدن به حیات طیبه میباشد که بالاترین درجه حیات میباشد.

صلاه در لغت به معنای دعا، استغفار، رحمت و مغفرت، ثنای نیکو و درود و تعظیم است و در لسان شرع برای فعل عبادی خاص یعنی نماز به کار می رود که عبارت است از مجموعه ای از اذکار و حرکات خاص که به عنوان ستایش و توجه بنده به خداوند انجام میگیرد، از این اصطلاح در لغت عربی به صلاه و در لغت فارسی به نماز تعبیر شده است (حسینی، ۱۳۷۹، ۲۰۸)

از آنجائیکه خداوند سرشت انسان را خداپرست آفریده و خداشناسی و خداگرایی فطری است لذا بشر در طول تاریخ همواره به دنبال پرستش و عبادت معنوی بوده است که مظهر و نمود عینی آن عبادات در ادیان الهی در نماز تجلی یافته است و در تمام ادیان به عنوان برترین آئین عبادی و رکن معنویت مطرح بوده، هر چند شکل و نحوه انجام آن در ادیان مختلف متفاوت میباشد حتی در ادیان غیر و حیانی هم مسأله نیایش به ویژه نماز مطرح بوده است.

نماز نخستین عبادتی است که در مکه بر پیامبر و پیروانش واجب شد که در متون دینی و قرآن از آن به عنوان (ستون دین) یاد شده و یکی از واجبات دینی است که ادای آن مورد پذیرش تمامی مذاهب اسلامی است و در بین همه مسلمانان درباره نماز بعنوان یک واجب دینی توافق کاملی وجود دارد و بر همین اساس می توان نماز را یکی از عناصر وحدت بخش جهان اسلام محسوب کرد.

خداوند در قرآن کریم، بارها به اهمیت نماز تصریح نموده اند حتی اقامه نماز را اولین وظیفه الهی معرفی می نماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» ( - آیه ۴۱ سوره حج)

امیر المؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه از جمله فلسفه های مهم نماز را چنین عنوان میکند: ۱- نشانه اصلی دین ۲- اسباب تشکر از خدا ۳- تقرب متقین ۴- پاک کننده گناهان ۵- پاک شدن از تکبر.

نماز به عنوان یک فریضه، از بُعد فردی خارج شده و در ابعاد اجتماعی و وسیع جامعه، کارکردهای خود را ایفا می کند.

در قرن حاضر نیز، اندیشمندان به طور گسترده درباره نماز و نیایش بحث کرده اند. به ویژه بسیاری از روان شناسان، جامعه شناسان و کارشناسان تربیتی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که توجه به خدا و نماز و دعا، بسیاری از امراض روانی را درمان می کند.



هنری لنک - روان‌شناس معروف انگلیسی - پس از تحقیقات گسترده بالینی که بر روی بیش از ده‌هزار انسان افسرده و مجرم و تبه‌کار انجام داد، چنین می‌گوید: «اینک به خوبی اهمیت اعتقاد دینی [نماز و سایر فرایض دینی] را در زندگی انسان درک می‌کنم و از میان تمامی آزمایش‌ها، این نتیجه مهم را به خوبی یافته‌ام که هر کس به دین و اعتقاد دینی گردن سپارد یا با عبادت‌کنده‌ای در ارتباط باشد از شخصیت انسانی و ال‌تری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست کرامت خاصی دارد.»

( عینف عبدالفتاح طیار، روح الصلاة فی الاسلام، ترجمه: ناصر طباطبایی، نشر احسان، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹. برگرفته از دکتر هنری لنک، کتاب بازگشت به ایمان.)

گرایش یا عدم گرایش به مفهوم عبادت و در اینجا به صورت خاص نماز؛ برگرفته از تصور و نگرش ذهنی است که انسان به این موضوع دارد که این نوع نگرش و تصور ضمن بهره‌گیری از خصوصیات فردی و از جمله هوش معنوی، به صورت قابل توجهی برگرفته از تربیت و بالخص تربیت دینی نیز می‌باشد در توضیح این موضوع باید گفت که هر چه تربیت انسان و همچنین نگرش او به مفاهیم دینی جامع‌الاطراف‌تر و کامل‌تر بوده یعنی معرفتی کامل به تمام ابعاد دنیوی و اخروی دین حاصل شود و انسان در انتخاب مولفه‌های زندگی با انتخاب و اختیاری که خداوند به انسان موهبت نموده به اصطلاح طیب‌گزینی نموده و به گزینش‌های متعالی‌تر با رنگ و بوی خدایی دست یازد نتیجتاً در طی نمودن مسیر زندگانی به یک نوع سبک زندگی متعالی‌تر که همان حیات طیبه است نائل می‌گردد که این نوع حیات نیز به نوبه خود در پرورش و ارتقاء گرایش‌های فردی و هوش معنوی آنها تأثیر گذار خواهد بود.



## ❖ ضرورت و اهمیت:

امروزه شرایط پیچیده، تعدد منابع معرفت افزایی، دسترسی زیاد و بی نظیر به فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی؛ اقتضائاتی را در همه حوزه های معرفتی از جمله مفاهیم دین ایجاد کرده است.

در عصر جدید اعتقادات دینی نه تنها در صدر نمی نشیند که حتی همواره مورد هجمه ها و تاخت و تازهایی قرار می گیرد و دینداران میبایست در مورد باورها و رفتارهایی که بر مبنای این باورهایشان انجام می دهند یک نظامی از معرفت و ادله و براهین را عرضه دهند و با توجه به این خصلت مؤلفه دینی در عصر فراصنعتی ضرورت مطالعات بین رشته ای در این زمینه ها را موجب شده است. در لذا پرداختن به موضوع نماز با توجه به آثار فراوان معرفتی و تربیتی و... از یک سو و نیز "شکافهای اجتماعی باور-رفتار نماز" و هجمه هایی که اخیراً بر مفاهیم دینی از جمله نماز وارد می آید از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت تبیین این فرضیه الهی را که از آن به عنوان ستون دین یاد می شود را می نمایاند. مضافاً اینکه یکی از رسالت های متولیان آموزش دستگاه های اجرایی علاوه بر پرداختن به آموزش های تخصصی، اجرای آموزش های عمومی و از آن جمله مفاهیم دینی میباشد و این در حالیست که موضوع ترویج فرهنگ نماز یکی از ماموریت های استناداری و احدهای تابعه در قالب ستاد های " امر به معروف و نهی از منکر " و " اقامه نماز " میباشد که ضرورت پرداختن به این مفهوم را هم از بعد تربیتی و هم ماموریت سازمانی دو چندان میکند.

## بخش اول:

مباحث اساتید:



آقای دکتر عزیزالله مولوی (عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد، پژوهشگر حوزه مطالعات دینی و اخلاق حرفه‌ای)

### ۱-۱- مباحث آقای دکتر عزیزالله مولوی:

#### انگاره:

بحث را بادو مورد حدیث آغاز میکنم آنجا که امام علی (ع) به کمیل فرمودند: "هیچ اقدامی نیست مگر آنکه باید با شناخت انجام شود" و یا روایت امام صادق (ع) که فرمودند: عمل کننده‌ی غیر بصیر و نا آگاه و جاهل مثل سیر کننده در غیر راه است (و بیراهه می‌رود) و عمل بدون علم سرعتی نمی‌افزاید مگر دوری از مسیر و راه را.

در جهان پست مدرن امروزی نیز، سلوک دینداری؛ نیاز به معرفت و یک سری شناخت‌ها نسبتاً جامع دارد، رفتارهای دیندارانه باید هم معلل و هم مدلل باشد و دست دینداران نیز باید از مجموعه ایی از حجت‌های منطقی پر باشد زیرا که از آنها دلایل و مبانی منطقی باورهایشان مطالبه خواهد شد، در همین راستا در بخش اول این جلسه به یکی از پر نقش‌ترین مقوله‌های مؤثر در رفتارهای انسان که در آثار اندیشمندان انگاره نامگذاری شده است می‌پردازیم. و به معانی و مفهوم "انگاره" به مقوله یک مبنای معرفت‌شناختی در آموزش و ترویج نماز خواهیم پرداخت چرا که به اعتقاد بنده حرف اول و آخر را در امر ترویج نماز این عامل ناپیدا می‌زند و کاهلی و ساهلی در نماز و متقابلاً جدیت و همت و شورمندی در نماز خوانی برخاسته از این مقوله است.

امروزه یک اصل فراشناختی وجود دارد که رفتارشناسان، روانشناسان و دانشمندان حوزه تعلیم و تربیت نام آنرا اصل طلایی گذاشته‌اند و آن اصل "تأثیر انگاره بر رفتار" است.

انگاره در لغت به معنای ۱- پندار، وهم، گمان، ۲- داستان، سرگذشت، ۳- اندازه، مقیاس، ۴- حساب، دفتر حساب، ۵- طرح یا نقاشی نیمه کاره میباشد. در زبان عامیانه به معنی طرح، نقشه، عقیده، بینش و مانند آنهاست.

**انگاره یا ایده** در حقیقت طرحی ذهنی است، یعنی صورت پردازی های ذهنی، تصویر پردازی ها، ارزیابی و قضاوت هایی که انسان از کسی، چیزی، موضوعی یا واقعه ایی دار که این شرح و تصور عامل تعیین کننده ای در رفتارهای انسان میباشد که باعث پسندیده شدن یا پسندیده نشدن موضوعات مختلف در ذهن انسان می شود.

در مورد نماز به عنوان یکی از مفاهیم مهم دین نیز یک سری انگاره هایی وجود دارد که کششها و رانش ها و مواجهه های مختلفی که در مورد نماز وجود دارد خواه نا خواه متأثر از این انگاره هاست؛ در اینجا به ده مورد از این انگاره های رایج و خطاهای شناختی محتمل در آنها خواهیم پرداخت و سپس انگاره صحیح که باید به آن تأمل و توجه کنیم را توضیح می دهیم:

### ۱-۱-۱- انگاره اول: تکلیف انگاری نماز

یعنی نگاهمان این باشد که: "نماز یک تکلیف دینی عادت شده است"

در همه ادیان، مذاهب، نحله ها و فرقه ها یک سری رفتارهای دینی و عبادی با یک نظم خاص صورت می پذیرد که در دین اسلام به عنوان نماز و در وقت های پنجگانه صورت می پذیرد؛ بر این اساس عده ای با فرض این استمرار و نظم زمانی، نماز را یک رفتار دینی عادت شده می پندارند. در این نگاه بر جنبه تکلیف بودن نماز نگاه پر رنگ تری می شود و فقط نماز را بخاطر تکلیف بودن انجام می دهند همین نگاه تکلیفی و اجباری و فرمایشی، موجب فاصله گرفتن و بعضاً مقاومت گروهی از افراد بویژه جوانان در این رفتار شده است.

### ۱-۲-۱- انگاره دوم: رنج انگاری نماز خوانی

"نماز یک رفتار دینی اجباری زحمت آور است".

در این نگاه نیز بیشتر بر زحمت های ناشی از نماز خواندن تمرکز ذهنی صورت می گیرد یعنی ذهن ما هنگامی که به نماز می اندیشد سریعاً به معانی نظیر صبح زود با سختی بلند شدن، لباس پوشیدن و یا لباس خواب را تعویض کردن، خواب نوشین بامداد را ترک کردن و... منتقل می شود روشن است که بر مبنای چنین انگاره ای ما چه برخوردی با نماز خواهیم داشت. امروزه در نظر اندیشمندان تکنولوژی فکر و موفقیت ایجاد حلقه های ارتباطی مثبت و خوشایند ذهنی، از مهمترین راهکاری ایجاد و استمرار یک خصلت پسندیده و ترک عادت های ناصواب است؛ درمان این انگاره جایگزین کردن انتقال های ذهنی جذاب و دلنشین با این نگاه های بیزار کننده است.

### ۱-۳-۱- انگاره سوم: یوگا انگاری نماز

"نماز نوعی مدیتیشن و مراقبه است" که انسان سعی میکند با انجام یک سری رفتارها و تمرین های منظم برای کسب نوعی تجربه به آرامش و رسیدن به یک آگاهی ناب و یک خلاص معرفتی و درک جهان متافیزیکی انجام می دهد؛ در این انگاره نماز خواندن چیزی جز

تبادل انرژی های مثبت با انرژی های منفی نیست در طی رفتارهای مختلف در نماز چاکراه های مختلف بدن انسان پاکسازی شده و ما انرژی های ناب جدید از طبیعت و فرا طبیعت دریافت می کنیم؛ فلسفه گذاشتن هفت عضو از اعضای بدنمان در روزی زمین نیز تبادل انرژی و تحریک فعالیت های چشم سوم یا پل ارتباطی بین فیزیک و متافیزیک است.

#### ۱-۴-۱- انگاره چهارم: سماع انگاری نماز

"نماز نوعی رقص و سماع درویشانه است؛" نوعی رفتار ریتمیک با یک سری اذکار که برای آن خواص عصبی و فیزیولوژیکی در نظر گرفته شده است که این خواص باعث بهبود کارکرد روزانه می شود.

#### ۱-۵-۱- انگاره پنجم: انگاره ابزار انگارانه. نردبان ترقی انگارانه یا پل انگارانه

"نماز یک رفتار شعارگونه و ریا کارانه و ابزاری است برای رسیدن به اهداف سیاسی، اجتماعی و...". در این انگاره منفی، رفتار صنفی از نماز خوانان به ذات این فعالیت تعمیم داده شده است. که سرشار از خطاهای منطقی است.

#### ۱-۶-۱- انگاره ششم: پوچ و بی معنا انگاری نماز

"نماز رفتاری بی مفهوم و سلیقه ای برای طیف خاصی از مردم است که دوست دارند اوقات خود را به این صورت پر نمایند." البته این رفتار بر مبانی فکری و پیش فرضهای معرفت شناختی و هستی شناختی خاصی استوار است که باید مورد باز بینی و بررسی قرار گیرند.

#### ۱-۷-۱- انگاره هفتم: انگاره نماد گرایانه

"نماز یک رفتار پر از سمبل و نمایه و ساخته و پرداخته انبیاست که وجاهت آن ثابت نشده است." در این نگاه نمی دانم ها و وجود ندارد ها جایشان را با یکدیگر عوض کرده اند ولی همین که نمادگرایی در این رفتاری برده شده است از نقاط قوت آن می باشد.

#### ۱-۸-۱- انگاره هشتم: همدلی انگاری با انسان های عرفانی

"نماز نوعی مشارکت در احوال انبیاء و اولیاست" به تعبیری تلاش برای نائل آمدن به شبه مکاشفات که برای پیامبران و اولیاء حاصل می شد. مشارکت در تجربه های معنوی و عرفانی و باطنی قدیسان بزرگ عالم غایت این رفتار تلقی شده است.

به عبارت ساده در این نگاه اگر از کسی سؤال کنیم که چرا نماز می خوانی؟ جواب می دهد "چون پیامبر (ص) نماز می خواند. یا چون فلان انسان بزرگ و عارف واصل نماز می خواند."

### ۱-۹-۱- انگاره نهم: انگاره کارکرد گرایانه روانشناختی

نماز رفتاری است که تجربه های معنوی به همراه دارد و تنها توجیه و تبیین محتمل بر آن تبیین های دینی و معنوی است و جز آثار معنوی آثار دیگری برای آن وجود ندارد؛ در این نماز بیشتر آثار روانشناختی و هیجان های معنوی دل انگیز ناشی از نماز خواندن در نظر می آید.

### ۱-۱۰-۱- انگاره دهم: جامع انگاری

انگاره دهم که من آن را گنج انگاری نام نهاده ام؛ یک انگاره چند بعدی در حوزه معرفت به نماز است و حقایق مربوط به نماز را در همه ابعاد وجودی آنها بررسی نموده. در این نگاه نماز یک دستورالعمل جامع برای ارتباط با عالم معنا و برای فراتر رفتن از خود است، و کارکردهای شناختی و روانی و دیگر آثار است؛ نوعی رفتار دینی جامع الاطراف است که هم دارای مبانی شناختی، فلسفی و اسرار متافیزیکی بوده و هم دارای آثار دنیوی، اخروی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است به خاطر همین بیان تعریفی جامع و کامل از نماز بسیار دشوار است، چون نماز در ابعاد مختلف زندگی، مرگ و بعد از مرگ انسان تأثیرات زیادی دارد و در چگونگی روند حیات اجتماعی بسیار مؤثر است. در حدیثی آمده است که فردی شقی به نام «رزام مولی خالد بن عبدالله» درباره ی حدود نماز از امام صادق - علیه السلام - پرسش می کند ایشان در پاسخ می فرمایند: «نماز چهار هزار حدّ دارد که تو نمی توانی یکی از آنها را ادا کنی». لذا در اینجا باید اذعان نمود انگاره دهم نیز صرفاً توصیه به نگرش جامع به نماز نموده ولیکن نتوانسته تعریف کامل و جامعی از نماز ارائه نماید.

### ۱-۱۱-۱- خطاهای شناختی:

خطای شناختی نوعی کثری فکری است در حالیکه انسان فکر میکند درست است. در ۹ انگاره ذکر شده در خصوص نماز؛ نوعی خطای شناختی کاملاً محسوس، مشهود میباشد که ناشی از نگرش تک بعدی به موضوعاتی است که دارای ابعاد مختلفی بوده که این ابعاد هر کدام به نحوی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر نیز متأثر گردیده اند.

این نوع خطای شناختی که دانشمندان عصر جدید از آن به عنوان "طاعون معرفتی" یاد میکنند خطای شناختی تحویلی نگری یا فرو کاستن است. این خطا در اکثر شبهات کلامی، اعتراضات، قضاوتها و تحلیل های مربوط به مفاهیم دینی قابل مشاهده است؛ در توضیح این خطا باید گفت که در این نوع از خطای شناختی، انسان در مقام قضاوت و تحلیل یک موضوع، مفهوم، مقوله یا... که دارای ابعاد متعدد است از سایر ابعاد غفلت نموده و می پندارد که حقیقت چیزی نیست جز همان یک بعد که ایشان بیان میکند. غالباً اینگونه خطای شناختی که در نظام سکولاریزم هم مشاهده می شود ناشی از پرداختن صرف به ابعاد مادی حقایق بوده، هر چند پرداختن به همه یا

برخی ابعاد مادی موضوعات چند بعدی هم خارج از تصور نیست. این خطای شناختی به انکار بسیاری از باورها و اعتقادات مذهبی و اخلاقی در غرب انجامید، تا آنجا که سارتر به صراحت، اظهار می‌دارد: هیچ رمزی در جهان وجود ندارد و هیچ اخلاقیات عام و ارزش‌های مطلقی که مترتب بر وجود خداوند باشد، هم وجود ندارد.

در مورد نماز اگر آنرا صرفاً به عنوان یک رفتار عادت شده بدانیم باعث غفلت از تمام آثار معرفت‌شناختی، تربیتی، روانشناختی، رفتاری و اخلاقی و.... خواهیم شد.

تصور نماز به عنوان یک رفتار اجباری زحمت آور نشأت گرفته از نقصان مبانی شناختی رفتارهای دینی و نوعی سطحی‌نگری و ساده‌انگاری در این حوزه است.

و چنانچه نماز را نوعی مدیتیشن و یوگا بدانیم که انسان با انجام یک سری رفتارهای همراه با اذکار خاص برای رسیدن به یک تجربه آرامش انجام می‌دهد این خطا حاصل در آمیختن مفهوم فایده و هدف است که منجر به ایراد این شبهه می‌شود که اگر نماز نوعی مراقبه و مدیتیشن است که با آن به آرامش می‌رسیم چرا نتوان سایر موارد مشابه با فایده‌های مشابه را جایگزین آن کرد که با این اوصاف چه حاجت به ادای نماز است لذا؛ حصری‌نگری و نگاه تک بعدی به نماز و غفلت از سایر ابعاد و آثار و علل و چهره‌های نماز در این انگاره نیز مانند سایر انگاره‌ها موج می‌زند.

فرض نمودن اثرات فیزیولوژی و جسمانی یا معنوی صرف برای نماز و تبیین‌های صرف برای آن نیز همان اجحاف در خصلت جامع‌الاطراف‌ی مقوله نماز است.

در توضیح خطای محتمل بر انگاره‌هایی که نماز را یک رفتار دینی بی‌مفهوم سلیقه‌ایی یا رفتاری پر از سمبل و نمایه متصور می‌شوند باید گفت اوامر و نواهی شرعی ریشه در یک سری مصلحت‌ها و مفسده‌های حقیقی و نفس‌الامری دارد و اینها ابداً قراردادی و سلیقه‌ایی و وضعی نیستند و اسما و صفات الهی از جمله "حکیم و علیم و خبیر و لطیف" اشاره به همین موضوع داشته که خداوند هیچ دستوری را بیهوده و بی‌مفهوم وضع نکرده است. در مورد موضوع نماز نیز تمام ملاحظات، مقارنات و آداب و شرایط آن صرفاً یک نوع لق‌لقه زبان و بیهوده نبوده بلکه حروف و اعداد مترتب بر حروف، حرکات و اوقات نماز هر کدام دارای بار معنایی حقیقی و اسراری هستند که مانند دندان‌های یک کلید یا شماره‌های یک تماس عمل می‌کنند که اگر یکی از آنها جابجا یا حذف گردد نوعی نقصان در این ارتباط صورت خواهد گرفت که نهایتاً یا ارتباطی صورت نگرفته و درمی‌گشوده نخواهد شد یا ذاتاً ارتباطی دیگر صورت خواهد گرفت. در خصوص اسرار حروف و اعداد تحقیقات زیادی در حوزه‌های مختلف علمی صورت گرفته که صحت این موضوع را تایید میکند.

تصور نمودن نماز به عنوان رفتاری شعارگونه و ابزاری معلول شرایطی بوده که به دلیل عدم وجود بن مایه های معرفتی عمیق در خصوص نماز منجر به تحت الشعاع قرار دادن ابعاد حقیقی نماز گردیده و خطای معرفتی تک بعدی نگری در این خصوص باعث پرداختن به ابعاد غیر حقیقی نماز که صرفاً زائیده و محصول برخی سوء استفاده ها و کثرونی های جامعه در حوزه مفاهیم دینی بوده می شود و نهایتاً باعث غفلت از ابعاد حقیقی آن می گردد.

تصور نمودن نماز به عنوان تلاش در انجام رفتاری دینی که باعث نیل به شهود و مکاشفاتی می گردد همانگونه که برای پیامبران و اولیاء وجود داشته، این هم نوعی تک بعدی نگرستن به پدیده یا مفهومی چند بعدی است.

در راستای تکمیل مبحث مربوط به خطاهای شناختی در حوزه نماز باید گفت که تمام فرقه ها و نحله های فکری عالم اعم از سکولار و دینی در این اصل اتفاق نظر دارند که عالم دارای ساز و کارهای متافیزیکی هست و هر کنش با یک واکنش مشابه از سوی کائنات مواجه است در حوزه نماز نیز از بارزترین اصول تمایز معتقدین به نماز با منکران یا کاهلان نماز آنست که معتقدین به نماز بر این باورند که دنیا همه آن چیزی نیست که ما می بینیم و مراتب و حقایق و جلوه های دیگری هم هست و توقف در بعد ماتریالیستی و مشهود و محسوس و منحصر کردن حقایق و اسرار عالم در محسوسات از جمله لغزشگاه هاست.



خانم دکتر الهام شریفی (دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدرس حوزه و دانشگاه، مدیر دبیرستان علوم و معارف اسلامی

شهید مطهری استان)

## ۲-۱- مباحث خانم دکتر الهام شریفی

با توجه به آنکه مباحث بنده حول محور تربیت دینی بر اساس سیره پیامبر و اهل بیت (ع) می باشد لازم است در ابتدا یک تعریف اختصاری از این دو مفهوم کلیدی داشته باشیم:

- **تربیت دینی:** تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است در خصوص مفهوم "**تربیت دینی**" این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و می توان آن را با تربیت اسلامی مترادف دانست؛ مراد این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به گونه ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات همگونی داشته باشد و نهایتاً آنگونه شود که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی شود،



بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می دهد.

**- سیره پیامبر و اهل بیت (ع):** سیره بر وزن فعله و جلسه واژه عربی است، که بر نوع و کیفیت وقوع عمل و نیز مژه برای بیان دفعات انجام کار دلالت دارد. سیره پیامبر و اهل بیت (ع) همان روش مستمر و رویه معمول دائمی معصوم بوده است.

در ادامه به بیان مواردی از سیره و روش پیامبر و اهل بیت (ع) در تربیت دینی کودکان و نوجوانان خواهیم پرداخت.

با توجه به آنکه مقوله آموزش و تربیت دینی اهمیت زیادی دارد لذا آشنایی با روشها و سبک های مختلف تربیتی نیز مهم است.

قالب شخصیتی انسان در سه دوره شکل می گیرد که دوره اول از همه مهم تر است. اسلام دوران کودکی را طلایی ترین دوران تربیت دینی معرفی کرده است و آنرا از وظایف پدر و مادر می داند. امام صادق (ع) نیز تربیت کودکان و نوجوانان را به سه دوره تقسیم نموده و می فرماید: فرزندان را هفت سال اول رها کن تا بازی کند، هفت سال دوم او را تربیت کن، هفت سال سوم او را با خود ملازم و همراه کن.

در زمینه روش های موثر تربیت دینی باید گفت که مهم ترین و تاثیر گذارترین روش ها در تربیت دینی روش الگویی است به این معنا که والدین در مفاهیم دینی، الگوی عملی فرزندان باشند که قطعا برنامه ریزی های دقیق تر در این خصوص توفیقات بیشتری را به همراه خواهد داشت. برای اجرای این نوع روش تربیتی می بایست صحنه هایی برای کودکان پدید آورد که میل و گرایش کودک به مسائل دینی بالا برود.

با توجه به آنکه جای اصلی تربیت در دل کودکان است آموزش مفاهیم دینی باید با کلمات محبت آمیز باشد به تعبیری محبت باید مهم ترین ابزار در اینگونه تربیت باشد و از خشونت در مورد فرزندان باید پرهیز نمود. کلام خشونت آمیز می تواند مانع از بالفعل شدن بسیاری از استعداد های بالقوه شود. ایراد گرفتن و اصرار ورزیدن بر امور مختلف می تواند کودکان را نسبت به یک موضوع خاص بی میل و رغبت کند به نحوی که اثر آن در بزرگسالی نمود یابد.

در دوره ی اول رشد که آغاز تکلم است، والدین به عنوان ولی کودک لازم است بهترین کلمه ها، کلام ها و شیواترین راه های ارتباطی را به کودک آموزش دهند تا کودک، رحمت الهی را از این طریق دریافت کرده و راه برای شکوفایی استعداد هایش هموار گردد. لذا در این دوره، بخشی از رزق کودک محبتی است که در قالب کلمات و رفتارهای طیب به کودک رسیده و طیب گزینی را در راه و رسم زندگی او ترسیم می نماید.

به هر میزان که بتوان از روش محبتی در تربیت فرزندان استفاده کرد نتایج بهتری حاصل خواهد شد همانگونه که پیامبر الگوی کامل محبت به کودکان حتی کودکان غیرمسلمان بود و خداوند در قرآن کریم می فرماید: "به غیر از این روش برای دین تبلیغ نکنید". در جای جای سیره تربیتی حضرت زهرا (س) اشاره شده که ایشان غالباً با استفاده از کلمات محبت آمیز، با بهره گیری از ابزار هنر و با زبان لطیف شعر با فرزندان خود ارتباط برقرار می کرد. شایستگی های کلامی و رفتاری والدین ایجاد بستری امن برای تربیت کودک است.

از رموز اصلی سیره نبوی و ائمه اطهار (ع) در تربیت فرزندان، احترام همه جانبه و رعایت حقوق آنهاست. در تربیت فرزندان می بایست محوریت با خود فرزندان باشد، شرکت در بازی های آنها و سپردن نقش های کلیدی به آنها از جمله این موارد است. البته با توجه به آنکه تقویت حواس مختلف در تربیت از اهمیت برخوردار است در این میان بازی های کلامی جزء بهترین راهکار تربیتی محسوب می شوند.



**خانم دکتر شیرین پولادی** (دکترای روانشناسی، مدرس دانشگاه، دارای تخصص کودک، نوجوان و بازی درمانی، مشاور کلینیک تخصصی کودک و نوجوان راه نور شهرکرد)

### ۳-۱- مباحث خانم دکتر شیرین پولادی

#### ۳-۱-۱- هوش معنوی از منظر مطالعات روانشناسی و دینی

دنیای نوین در ایجاد پیشرفت های علمی و تأمین رفاه نسبی و نیازهای مادی آدمی موفق بوده است اما آنچه امروزه بیش از پیش احساس می شود خلأهای باطنی و اخلاقی است؛ دلمشغولی همیشگی بشریت به معنای زندگی، طرح معنویت را به یکی از موضوعات مهم در حوزه های مختلف علمی تبدیل کرده است.

امام خمینی قدس سره در پیام خود به گورباچف، رهبر شوروی سابق، یاد آورد شدند: با مادیات نمی توان بشریت را نجات داد. عدم اعتقاد به معنویت از اساسی ترین دردهای جامعه بشری در غرب و شرق است (ر.ک. امام خمینی، آوای توحید «نامه امام به گورباچف») و شرح نامه به قلم آیه الله جوادی آملی تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۹).

اهمیت دین و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورت روزافزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. این توجه و میل جهانی به موضوعات معنوی موجب شده که سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰، بعد چهارم، یعنی بعد معنوی را در کنار ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی در رشد و تکامل انسان مطرح کرد؛ در ذیل طبقه بندی کلی هوش ارائه می گردد:

### ➤ هوش عقلانی یا IQ:

مجموعه ای از توانایی های عقلانی مانند: تفکر، برنامه ریزی، خلاقیت، سازگاری، حل مسأله، تصمیم گیری و یادگیری است که موجب سازگاری و انطباق بهتر با محیط پیرامون می شود.

### ➤ هوش هیجانی یا Eq:

توانایی در مدیریت و کنترل هیجانات و عواطف خود و دیگران، برقراری روابط سازنده با دیگران.

### ➤ هوش معنوی:

در ابتدا قبل از پرداختن به مفهوم هوش معنوی، می بایست اجزای این مفهوم به تفکیک و اختصار تعریف گردند (هوش و معنویت).

- سه خصلت کلی مترتب بر تعریف هوش شامل: ۱- سازگاری با محیط ۲- یادگیری متمرکز ۳- توانایی استفاده از نمادها و مفاهیم اشاره دار است.

➤ پارگامنت و ماهونی، معنویت را یک فرآیند می دانند فرآیندی که در برگیرنده تلاش هایی است که هدف آن کشف امر قدسی و در نتیجه حفظ آن است. انسانها برای کشف و حفظ امر قدسی می توانند راه های مختلفی را انتخاب نمایند.

معنویت، تجربه درونی و منحصر به فرد شخص در جستجو برای کامل ترین توسعه فردی به کمک موجودی مافوق بشری است که همواره شامل احساس تعلق به کلی برتر و احساس کامیابی و موفقیت کامل با رسیدن به آن است (Delbecq, 1999, 346). معنویت یعنی یافتن هدف

نهایی زندگی و زیستن بر اساس آن (Korac- Kakabadse et al)

- باتوجه به گستردگی مفهوم هوش که مانع از عرضه نمودن یک تعریف معین در این خصوص می گردد ولیکن با نظر اجمالی به تعاریف موجود میتوان گفت هوش معنوی بر خلاف هوش منطقی که در رایانه ها هم هست و هوش هیجانی که در حیوانات نیز دیده می شود منحصرأ خاص انسان است. هوش معنوی عبارت است از میزان فهم افراد از واقعیت زندگی و حقیقت امور و زمینه ی تمام آن چیزهایی است که به آنها اعتقاد و باور داریم و نقش باورها، هنجارها و عقاید فرد را در فعالیت های زندگی بر عهده می گیرید؛ چرایی و سؤال

هایی در مورد هدف و معنای زندگی. انعطاف پذیری در برابر تغییرات پیرامون، حل مشکلات روزمره با نگاه معنایی و ارزشی، انتخاب درست از میان راههای موجود یا تشخیص راه درست از غلط از جمله تعاریف این موضوع میباشد.

مصادیق هوش معنوی در آموزه های اسلام بیشتر با مفاهیم و مصادیقی همخوانی دارد که بیانگر دو عنصر "توانائی" و "ارزشی و معنوی" است. بر این اساس؛ هوش معنوی در جستجوی معنای زندگی، استفاده از نمادها و سمبل های دینی، تبدیل مشکلات به مسائل و حل آنها با کمک منابع معنوی و سازگاری مؤثر با خود، محیط و خدا، سبک زندگی سالم، مطلوب، هدفمند و رضایت بخش نمود پیدا میکند. در آیات قرآنی و متون اسلامی مفاهیمی همچون؛ عقل قدسی، عقل نوری، عقل رحمانی، لب، فراست، حکمت و کیاست را میتوان معادل و مترادف با مفهوم هوش معنوی دانست.

### ➤ ویژگی افراد دارای هوش معنوی:

- خودآگاهی
  - شهامت
  - اندیشیدن به چرایی امور
  - قابلیت مواجهه با مشکلات و ناملازمات
  - خودکنترلی
  - پرداختن به سجایای اخلاقی و درک معنویات و ارزش ها در زندگی شخصی و اجتماعی
  - رهایی از لغزش ها و دام های شیطانی
  - تعادل در زندگی مادی و معنوی
- عسکری وزیر و زارعی متین (۱۳۹۰) در پژوهشی بیان کردند افراد دارای هوش معنوی قوی در مقایسه با افراد دارای هوش معنوی ضعیف دارای ویژگی هایی همچون علاقه به داشتن یک زندگی آرام و دلنشین، عشق به کار و زندگی، خلاقیت و نوآوری به کار و زندگی، تشنه خدمت به هموعان و عدم وابستگی به اطرافیان هستند. در این راستا، نتایج پژوهش تقوی، آذر و اسعدی (۱۳۹۵) روی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان نشان می دهد بین هوش معنوی با رضایت شغلی و تعهد سازمانی رابطه وجود دارد. به طوری که افراد دارای هوش معنوی بیشتر رضایت شغلی و تعهد سازمانی بیشتری دارند. همچنین پژوهش های سلامی و نجفی (۱۳۹۶) و ذبیحی و ساغروانی (۱۳۹۲) نشان می دهد کارکنانی که هوش معنوی بیشتری دارند تعهد شغلی بیشتری در کار دارند.

## ➤ آیا هوش معنوی را می توان رشد داد؟

ما موجودات انسانی ای نیستیم که تجربه معنوی دارند، بلکه موجودات معنوی ای هستیم با یک تجربه ی انسانی.

هوش معنوی در تمام انسان ها به صورت فطری وجود دارد و یکی از توانائی های ذاتی و فطری انسان است هرچند با ظرفیت های متفاوت، که همانند سایر هوش ها چنانچه مورد توجه قرار گیرد می تواند پرورش و توسعه یابد بنابراین هوش معنوی قابل رشد و غنا بخشیدن است. پرداختن به اعمال معنوی مانند: نماز، نیایش، تأمل در خود، اندیشیدن، درس گرفتن از اشتباهات فردی، فروتنی، شکیبایی، بخشندگی و مهربانی موجب تسهیل در رشد هوش معنوی می شود.

در راستای تکمیل مبحث هوش معنوی و ارتباط آن با مقوله نماز بهتر است ابتدا به مفهومی تحت عنوان "حیات طیبه" اشاره کرد که اعتلاء هوش معنوی که در اثر اهتمام به انجام دستورات جامع دینی حاصل می شود در نائل آمدن به این سبک از زندگی تاثیر زیادی دارد.

**۲-۳-۱- حیات طیبه:**

برای درک مفهوم حیات طیبه ابتدا باید دو واژه «حیات» و «طیبه» مفهوم شناسی شوند؛

➤ واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته اند (راغب، ۱۴۰۴، ص ۲۶۹). حیات در نظر قرآن کریم اعم از حیات نباتی، حیوانی و انسانی است.

➤ واژه طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳).

➤ حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی است. ریشه حیات به معنای زندگی، ۱۸۴ بار در قرآن کریم به کار رفته که تنها ۱۵ مورد آن به معنای زندگی نبوده و به معنای انسان (حج: ۶۶) طبیعت (فرقان: ۴۹) و خدا (بقره: ۲۵۵) آمده است. ریشه طیب نیز ۵۰ بار در قرآن به کار رفته است و برخی از معانی آن شامل: خوردنی های پاکیزه (بقره: ۱۷۲)، زندگی پاکیزه (نحل: ۹۷ و آل عمران: ۳۸)، رزق پاکیزه (انسان: ۲۶)، مسکن پاکیزه (توبه: ۷۲) و گفتار پاکیزه (حج: ۲۴).

مهمترین آیه درباره حیات طیبه که در قرآن به بیان شده است آیه ۹۷ سوره مبارک نحل می باشد، خداوند میفرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: هر کس کارشایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک زنده میداریم و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند خواهیم داد». از نظر قرآن مرتبه بالای سبک زندگی در حیات طیبه است، حیات طیبه در واقع نتیجه و پاداش عمل آدمی بوده که به سبب عمل صالح مشروط به ایمان راستین، نصیب انسان می شود از آن جهت که «حیات» سبب حرکت در همه موجودات است «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی شده و سبک زندگی متعالی و نورانی را برای آدمی به دنبال دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گویند: «علت اینکه چرا قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیاتی خالص است که خباثتی در آن نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۴). حیات طیبیه، همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان باشد؛ زیرا چنین حیاتی پاکیزه‌ترین زندگی است (حویزی، ۱۳۷۳، ۸۴، ۳).

علامه طباطبایی در آثار حیات طیبیه می‌نویسد: پرهیزگاران در حیات طیبیه دارای علم و قدرتی هستند که می‌توانند حقیقت اشیا را ببینند، از این‌رو، اشیا در نگاه آنان، به دو گونه حق و باطل نمودار می‌شود. آنان از امور باطل دوری می‌کنند که زندگی مادی دنیا و ظواهر فریبنده آن است و به عزت خداوند اعتراض می‌جویند. وقتی عزت پرهیزگاران از خدا شد، دیگر وسوسه‌های شیطان و هوا و هوس‌های نفس اماره و فریبندگی‌های دنیا نمی‌توانند آنها را ذلیل کنند؛ زیرا دریافته‌اند که دنیا و نعمت‌هایش فناپذیرند. صاحبان حیات طیبیه دل در گرو پروردگار خویش سپرده‌اند و جز او را نمی‌خواهند و جز تقرب به درگاه او را دوست نمی‌دارند. آنها تنها از عذاب خدا در هر اسند و برای خویشتن زندگی پاک و جاودانه‌ای سراغ دارند که جز پروردگار بخشنده و مهربان آن را اداره نمی‌کند و در مسیر زندگی خود، جز معصیت و نافرمانی خدا، همه چیز را جمیل و زیبا می‌بینند. وقتی انسان به چنین جایگاهی برسد، در نفس خود نور، کمال، قوت، عزت، لذت و سروری می‌یابد که نه می‌توان اندازه‌اش گرفت و نه می‌توان توصیفش کرد. و چرا اینگونه نباشد و حال آنکه او در حیاتی جاودانه و نعمتی فناپذیر و لذتی خالص از درد و کدورت و سعادت خالی از شقاوت غرق است؛ و این‌همه، آثاری است حقیقی و ماندگار از آن حیات طیبیه. بنابراین، زندگی پاکیزه، حیاتی است خالص که هیچ خباثتی در آن نیست تا آن را فاسد و یا آثارش را تباہ کند (همو: ۱۲: ۳۴۲-۳۴۳).

### ۳-۱-۳-ارتباط نماز، حیات طیبیه و هوش معنوی:

طبق نص صریح قرآن که در آیه ۴۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: «همانا نماز از زشتیها و منکر باز می‌دارد» تقید به نماز موجب دوری از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود و فرد به سمت یک سبک زندگی مترتب بر حیات طیبیه پیش می‌رود. این تنها بدان معنی نیست که بهترین عمل نماز است، بلکه نماز زادگاه همه اعمال خوب است، نماز بهترین کار است چون همه کارهای خوب از نماز آغاز می‌شود، یا بهتر بگوییم نماز تمرین خوب شدن و خوب ماندن است (سنگری، ۱۳۷۷، ۱۴۳) نخستین چیزی که در قیامت بنده برای آن مورد حسابرسی قرار می‌گیرد نماز است؛ اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز پذیرفته می‌شود.

جایگاه نماز در سبک زندگی، رکن اصلی در رسیدن به سبک زندگی و دستیابی به حیات طیبیه و پاک است. فطرت انسان که دارای گرایش‌های برتر پیش از تولد است، سرمایه‌ای همگانی است که در اختیار همگان قرار گرفته است و زمینه‌ای است که بر اساس آن می‌توان

انتظار آمادگی خدا پرستش و نیایش و انجام کارهای خیر را داشت از نظر قرآن مرتبه بالای سبک زندگی در حیات طیبه است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷).

در دین اسلام «نماز اگر با آداب و شرایطش به جا آورده شود، انسان را نه تنها به آرامش کامل می‌رساند، که او را به تدریج از سطوح پایین به بالا برده و به سطح متعالی می‌رساند؛ این نشان می‌دهد که نماز توان ایجاد حرکت‌های استعلایی را دارد، این حرکت از سطح پایین به بالا؛ یعنی حرکت از یک سبک زندگی غیر دینی به سمت یک سبک زندگی دینی و متعالی نشان از تاثیر نماز بر سبک زندگی دارد بنابراین این نسبت میان تقید به نماز با سبک زندگی اسلامی نسبتی وثیق و رابطه‌ای دوسویه یا دیالکتیکی برقرار است.

حال با توجه به تعاریف و ویژگی‌های ذکر شده در خصوص هوش معنوی که اذعان می‌دارد هوش معنوی عبارت است از میزان فهم افراد از واقعیت زندگی و حقیقت امور و زمینه‌ی تمام آن چیزهایی است که به آنها اعتقاد و باور داریم و نقش باورها، هنجارها و عقاید فرد را در فعالیت‌های زندگی بر عهده می‌گیرد؛ چرایی و سؤال‌هایی در مورد هدف و معنای زندگی؛ انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات پیرامون، حل مشکلات روزمره با نگاه معنایی و ارزشی، انتخاب درست از میان راه‌های موجود یا تشخیص راه درست از غلط، طیب‌گزینی و انتخاب طیبیات و از آن جمله اهتمام به نماز جهت نیل به حیات طیبه از آثار هوش معنوی و پرورش این ودیعه الهی در سایه اختیار و انتخاب نوع انسان است.

## بخش دوم:

۲-۱- پرسش و پاسخ:

۲-۱-۱- با توجه به محور نشست حاضر و مخاطبین خاص آن که رابطین ستادهای (امر به معروف و نهی از منکر) و (اقامه نماز) استانداری و فرمانداری های تابعه میباشند و با توجه به توضیحات جنابعالی در خصوص پرداختن و نگرش خاص به مساله نماز در موقعیت های مختلف، چگونه میتوان در دستگاه های اجرایی نگرشی درخور به این موضوع داشت؟

یکی از شیوه های دعوت به نماز در دستگاه های اجرایی آن است که رابطین منتسب به نماز و نیز رابطین امر به معروف و نهی از منکر میبایست به پیشرفته ترین مهارت ها، گفتار ها، رفتارها و اخلاقیات مجهز بوده تا بتوانند با گزینش شیوه های کارآمد مطابق با اقتضائات روز در بوجود آوردن فضای متناسب و نیز دعوت به مفاهیم مذکور توفیق یابند، منادیان نماز باید با عمل و مهارت خود این مسؤلیت را انجام دهند و به عنوان افرادی با هوش معنوی بالا نمود یابند؛ لذا مسؤلین دستگاه های اجرایی در انتخاب منادیان و رابطین رفتارهای دینی دقت و وسواس لازم را مبذول نموده و باهوش ترین، زبده ترین، با اخلاق ترین و قطعاً متعهدترین افراد را انتخاب نمایند تا بتوانند حق این مهم را به نحو بهتری اداء نمایند، بنابراین از انتخاب افراد تنبل، بی نظم، کم مهارت و ... باید اجتناب نمود.

۲-۱-۲- بخشی از اصول یا مولفه های تربیتی که توسط جامعه و از سوی نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه ها صورت می گیرد با اصول و مبانی تربیتی خانواده به صورت کلی یا بخشی سازگار نمیباشد؛ نقش خانواده ها در این میان چه بوده است؟

خانواده اولین مدرسه تربیت اخلاقی و دینی است و کودک بر اساس مشاهدات روزمره، پایه های اخلاقی خود را پی ریزی می نماید، زمینه سازی اولیه فراگیری و به کارگیری آموزه های دینی از سوی فرزندان و تقویت آنها به عهده والدین است، نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تاثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معنا داری دارد. در پرتو تربیت دینی می توان بر بسیاری از دوگانگی ها و عوامل مخرب و تاثیر گذار دیگر غلبه کرد.

۲-۱-۳- علت وجوب نماز و ذکر و حمد خدا چیست؟

در قرآن و احادیث دلایل و فواید زیادی در خصوص عبادت و به طور خاص نماز ذکر شده است؛ از جمله اینکه دلها با آن آرام می گیرد، باعث تقرب به خدا می شود، توفیقات دنیوی و اخروی بر آن مترتب است ولی اگر بخواهیم از دیدگاه هستی شناختی به این موضوع بپردازیم آن است که طبق آیات متعدد و صریح قرآن همه عالم به حمد و تسبیح خداوند مشغولند، همه موجودات هستی، همه



آیات و نشانه های عالم به صورت تکوینی ذاکر هستند چنانچه خداوند در سوره بنی اسرائیل با صراحت می فرماید: "وان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم) هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدا را تسبیح می کند)" و یا در سوره نور خطاب به پیامبر می گوید: (آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است تا مرغ که در هوا پر گشاید همه به تسبیح و ثنای خدا مشغولند و همه آنها صلاه و تسبیح خود میدانند)... با توجه به آیات مذکور و نیز سایر آیات قرآن که با همین مضمون بیان شده بیانگر آن است که مجموعه نظام آفرینش مانند زمین و آسمان و کوهها و پرندگان و ماه و خورشید و ستارگان و درختان و چارپایان و انسانها و... همگی مشغول تسبیح خداوند متعال می باشند و او را به پاکی می ستایند. یعنی در کل نظام عالم نوعی نماز و به طور کلی عبادت سر بیان دارد و چگونه است که همه موجودات تسبیح خدا را میکنند و انسان که اشرف مخلوقات است و مقام خلیفه الهی دارد ذکر خدا را به جای نیامورد و البته صراحت مهم تر در آیات مذکور عنوان کلمه نماز برای حمد و تسبیح است که فطرتا در ذات همه موجودات اعم از انسان و غیر آن وجود دارد. لذا زمانیکه انسان به نماز مشغول است با هارمونی موجود در کائنات هم آهنگ و هم آوا می شود.

#### ۴-۱-۲- علت الزام به رعایت ظاهر نماز مانند وضو، ارکان، اذکار و... چیست؟

یکی از علت های تشریح احکام از طرف خداوند بر بندگانش، امتحان کردن آنهاست. خداوند از بین بندگان، آنان را که روحیه اطاعت کامل دارند بر می گزیند و آنان که بی چون و چرا به فرمانهای خدایشان عمل می کنند در امتحان اطاعت از خدا نمره قبولی می گیرند در واقع عبادت (بندگی) در این است که آن چه امر شده، به آن گونه که امر شده، به انجام رسد و اگر کسی جز این انجام دهد، خود و هوای نفس خود را عبادت و بندگی کرده است و نه خداوند متعال را - و پیرو و تابع امیال خودش است، نه پیرو و تابع رسول الله صلوات الله علیه و آله. البته بدیهی است که هیچ امر خدای بدون حکمت و آثار مثبت مترتبه بر انسان نمی باشد و قطعاً تفاوت بسیاری است بین مفاهیم و نیز روح و آثار «کلام وحی» با کلام های دیگر.

#### ۴-۱-۵- فلسفه اینکه امام صادق در خصوص عبادت می فرماید: "عبودیت جوهره ای دارد که می رسد به ربوبیت" چیست؟

شهید مطهری در تفسیر این حدیث می گوید که "رب" یعنی صاحب اختیار و مالک؛ لذا اگر انسان عبادتش به جا باشد در اثر آن به حدی می رسد که تسلط بر خویشتن پیدا می کند و این مالکیت در چند مرحله اتفاق می افتد: در مرحله اول؛ تسلط بر اعضا و جوارح خود پیدا می کند که با پرهیز از اعمالی مثل خندیدن، حرکت نکردن و نگفتن هر آنچه که در نماز مفروض گردیده حاصل می شود، در مرحله بعد تسلط بر نفس پیدا می شود در توضیح آن باید گفت بسیاری از مواردی که انسان به آن تمایل دارد را در نماز نباید انجام داد؛ در مرحله بعد تسلط بالاتری پیدا می شود که آن تسلط بر ذهن و خیال هست چون در نماز باید حضور قلب پیدا کرد که این تسلط بر خیال از طریق تسلط بر اراده در انسان اتفاق می افتد، در مرحله بالتر انسان به مرحله ای می رسد که توانایی تسخیر بر عالم هستی پیدا می کند و اینها همه رموزی است که در نماز وجود دارد.

## ۶-۱-۲- از تکنیک های اصلی معرفی نماز و تبلیغ و ترویج آن چیست؟

نقش و تاثیر روز افزون رسانه را در هویت سازی و سبک سازی زندگی نمیتوان نادیده گرفت چرا که رسانه با پیوند دادن هنر و علم و تکنولوژی دارای قابلیت زیادی در ارائه مفاهیم دارد لذا تصمیم گیران حوزه دینی میبایست با تجمیع قوا از حیث ابعاد سه گانه مذکور در ترویج این مفهوم دینی اهتمام نمایند.

### ۲-۲- نتیجه گیری:

➤ انسان برای گریز از زندگی حیوانی و راهیابی به زندگی انسانی و حیات طیبه و تخلّق به اخلاق کریمه و رهایی از یأس و افسردگی به یک عامل مهارکننده نیازمند است که روحش را در کنترل و تسخیر خود قرار دهد، پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام و روح تعاون و نوع دوستی، عاطفه و محبت را به وی الهام کند و هنگامی که پشمرده و افسرده می گردد، او را طراوت بخشد. بنابراین، نماز در تأمین نیاز درونی و روانی انسان نقش به سزایی دارد. بر همین اساس، در منابع روایی اسلام از امام صادق (ع) نقل شده که به یارانش فرمود: هنگامی که با غمی از غمهای دنیا روبه رو شدید، وضو بگیرید و به مسجد رفته نماز بخوانید و در حال نماز دعا کنید.

بسیاری از روان شناسان، جامعه شناسان و کارشناسان تربیتی نیز بر این مسئله اتفاق نظر دارند که «توجه به خدا و نماز و دعا»، بسیاری از امراض روانی را درمان می کند.

➤ آثار ارزشمند این فریضه الهی، جنبه بازدارندگی آن از فحشا و منکر و جبران از گناه است. البته باید توجه داشت که: خاصیت بازدارندگی نماز به دلیل همان توجه قلبی به خدا و فرمان او و خاصیت معنوی آن است؛ به گونه ای که هر قدر انسان نماز را بیشتر با حضور قلب و توجه به معنا و فلسفه نماز و محتوای آن بجای آورد، به همان اندازه برای او سازنده است و به حالش مؤثر و مفید خواهد بود، و اگر انسان بخواهد بداند که از نماز چقدر بهره می برد، باید ببیند نماز تا چه اندازه در عمل و رفتارش اثر گذاشته است.

➤ با توجه به اصل بسیار قوی و محکم ((تأثیر انگاره بر رفتار)) و همچنین اصل ((تأثیر حلقه های ارتباطی مثبت ذهنی بر استمرار یک رفتار یا ترک یک عادت نامطلوب)) یا تکنیک ((شرطی سازی ذهن)) در امر ترویج نماز چه در بزرگسالان و چه در جوانان و خردسالان باید نگاهها را عوض کرد و در نخستین گام باید تلاش کرد؛ بجای تمرکز ذهنی بر زحمتهای ناچیز نماز خواندن مانند وضو گرفتن وقت گذاشتن و ترک موقت فعالیتهای روزانه یا درخواستن از خواب نوشین صبحگاهی، مدام بین نماز و حالات و احساسها و هیجانات مثبت و تغییرات شگرف همه جانبه او نظیر معرفت دهی، نجات بخشی و هدایت بخشی و عزت دهی و آرامش آفرینی و سایر تأثیرات شیرین که در جنبه های متعدد نماز وجود دارد ارتباط ذهنی برقرار کنیم و با تکرار این روش به الگوی ذهنی دست یابیم که به محض شنیدن نام نماز، ذهنها بصورت خود کار جنبه های لذت بخش و دلنشین و شادی آور این رفتار را تداعی کنند. عامل شناخت و آموزش مستمر یکی از مهمترین اقدامات برای کامیابی در این مهارت است که بصورت پیوسته چه بصورت مطالعات نظام مند فردی یا گروهی چه بصورت برگزاری دوره های آموزشی می تواند انجام شود. فراموش نکنیم که تکرار مادر تمام مهارتهاست.

➤ در تربیت دینی کودکان باید دین به نحوی به فرزندان معرفی شود که آنرا دوست داشتی، جذاب و پرنشاط دریافت نماید و آموزه های آنرا با علاقه و عشق پذیرفته و انجام دهند چرا که دین خشک و بی روح نه تنها جذابیتی برای کودکان نخواهد داشت که انعطافی هم در مقابل آن نخواهند داشت این مهم به خوبی در سیره اهل بیت و پیامبر اکرم دیده می شود ایشان، دین را با روشی محبت آمیز در قالبهای بازی، شعر، گفتگوهای چهره به چهره، معما، مسابقه و ... به کودکان آموزش می دادند.

لذا پیشنهاد می گردد: ۱- جهت آموزش آموزه های دینی به کودکان از نقش الگو پذیری غافل نبود ۲- از اصل محبت بیشترین استفاده را در این زمینه برد ۳- شرح صدر و حسن خلق مربی دو عنصر مهم در تربیت مورد عنایت ویژه قرار می گیرد. ۳- مفاهیم دینی در قالب روشهای نو و جذاب به کودکان منتقل شود ۴- در این زمینه از تولید محتواهای جذاب و عمیق در فضای مجازی استفاده شود ۵- گفتگوها و ارتباطات چهره به چهره در آموزش مورد اهمیت قرار گیرد. با توجه به آنچه گفته شد با عنایت به فرهنگ دینی جامعه ما و ضمن آنکه تعمق و پرداختن به اعمال دینی و معنوی موجب تسهیل در رشد هوش معنوی می شود، پیشنهاد می شود به موضوع هوش معنوی، اثرات آن در زندگی شخصی و کاری و چگونگی تربیت کودکانی با هوش معنوی بالا پرداخته شود.

